

تبیین مؤلفه‌های شکل دهنده ژئوپلیتیک غذا در شرایط دفاع مقدس محسن جانپور^۱ و علی اکبر دهنوی^۲ و ساجد بهرامی جاف^۳ و ریحانه صالح آبادی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸

چکیده: ژئوپلیتیک غذا از جمله گرایش‌های موضوعی است که در طی دهه‌های اخیر به دلیل خشکسالی‌های پیاپی و رشد سریع جمعیت در جهان مطرح شده است. ژئوپلیتیک غذا در ایران به دلیل واقع شدن در موقعیت خشک و نیمه‌خشک جهان و از سوی دیگر تهدیدهای خارجی مداوم، از جمله حمله نظامی و یا تحریم اقتصادی و... از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش میدانی در پی پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل دهنده ژئوپلیتیک غذا کدام هستند؟ برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پرسشنامه از نرم‌افزار آماری Spss و آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده است. نتایج پرسشنامه نشان داد که در بُعد سرزمینی (موقعیت جغرافیایی)، در بُعد جمعیتی (کمیت و کیفیت جمعیت)، در بُعد اقتصادی (تولید مواد غذایی با ارزش بالا)، در بُعد فرهنگی-اجتماعی (ترکیب جمعیت شهری و روستایی و تولید مواد غذایی)، در بُعد سیاسی (سیاست‌های حمایت از تولید)، در بُعد دفاعی-امنیتی (تأمین بهداشت جامعه) و در بُعد علمی-برنامه‌ای (فناوری تولیدی)، به‌عنوان متغیرهای شکل دهنده و مؤثر در شکل‌گیری ژئوپلیتیک غذا محسوب می‌شوند.

واژگان اصلی: ژئوپلیتیک، غذا، امنیت، قدرت نرم.

مقدمه

انسان از همان آغاز تاریخ، تلاش‌های فراوانی برای به‌دست آوردن معاش روزانه انجام داده است. انسان با نیروهای طبیعت ستیز کرده و سرانجام بر آن‌ها مسلط شده اما هنوز در راه مبارزه برای تأمین معاش خود به پیروزی قطعی نرسیده است. هنوز نزدیک به دو سوم از سکنه جهان در حال گرسنگی مداوم به سر می‌برند و یک و نیم میلیارد نفر از جامعه انسانی معاش کافی به‌دست نمی‌آورند. یکی از مهمترین دلایل وقوع جنگ‌ها، انقلاب‌ها و تصرف سرزمین‌های مختلف، فرار از قحطی و دسترسی به منابع غذایی است. کشاورزی و تولید مواد غذایی در دهه‌های اخیر نیز از مسایل مهم جهانی بوده است. بنابراین مواد غذایی امروزه یکی از سرچشمه‌های مهم قدرت مطرح هستند. امنیت غذایی با سطوح متفاوتی از امنیت، همچون امنیت فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ملی و حتی امنیت جهانی گره‌خورده است. روند تولید مواد غذایی یک فرایند پیچیده و بسیار طولانی بوده و با عوامل مهم طبیعی، اقتصادی، سیاسی و... گره خورده است. مجموعه‌ای از عوامل درهم‌تنیده بر امنیت غذایی تأثیرگذار هستند. عواملی چون تغییرات آب‌وهوایی، رشد جمعیت، بیکاری، انرژی، مهاجرت و شهرنشینی، کمبود آب، افزایش تقاضا برای سوخت‌های زیستی، کاهش سرمایه‌گذاری‌های پژوهشی در بخش کشاورزی، رشد طبقه متوسط در کشورهای در حال توسعه و...، سیاست‌های غذایی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. اهمیت این موضوع تا آنجاست که کشورهای قدرتمند با اعمال تحریم‌های اقتصادی باعث کمبود و گرانی مواد غذایی در کشورهای دیگر می‌شوند. آن‌ها تلاش می‌کنند تا کشورهای دیگر را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کنند. در واقع هدف اصلی و تغییرناپذیر هر حکومت ملت‌پایه، بقای ملی بوده که این مهم در گرو امنیت ملی و افزایش وزن و پرستیژ ژئوپلیتیکی است (قادری‌حاجت و گل‌کرمی، ۱۳۹۹).

کشورهایی که دارای منابع غنی غذایی هستند، بیشتر در برابر تحریم‌های دیگر کشورها مقاومت می‌کنند؛ مانند ایران که با تحریم‌های شدید، تا اندازه‌ای در تهیه مواد غذایی خود موفق بود؛ ولی کشور روسیه زمانی که توسط اتحادیه اروپا تحریم شد، به دلیل کمبود مواد غذایی، به دنبال واردات از کشورهایی مانند ایران رفت. با همه‌گیری بیماری‌های واگیردار از جمله کرونا و تأثیرات منفی آن بر تولید و انتقال مواد غذایی، اهمیت مواد غذایی سالم و در دسترس بیش‌ازپیش شده است. ژئوپلیتیک غذا برای کشوری مانند ایران، به دلیل موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی، تهدیدهای نظامی و تحریم‌های گسترده، اهمیت بسیاری در

امنیت ملی دارد. بنابراین لزوم تدوین برنامه مناسب برای حفظ امنیت غذایی در درازمدت و لحاظ کردن مسایل غذایی در سیاست‌گذاری‌های خارجی احساس می‌شود. بر این اساس، شناخت این حوزه جدید و ورود به بحث رقابت‌های قدرتی بین بازیگران از جمله ایران، باید یکی از دغدغه‌ها و نیازهای حاضر شود. پژوهش حاضر کوشیده است مؤلفه‌های مؤثر بر ژئوپلیتیک غذا در شرایط دفاع را بیان کند.

۱- مباحث نظری

۱-۱- مفهوم ژئوپلیتیک

اصطلاح ژئوپلیتیک، نخستین بار توسط دانشمند سوئدی «رودولف کیلن»، در سال ۱۸۹۹ و به مفهوم دانش تحلیل روابط جغرافیا و سیاست، گام به عرصه مطالعات جغرافیای سیاسی نهاد (Dodds & Atkinson, 2000: 3). ژئوپلیتیک در جنگ جهانی اول، عاملی تعریف شد که می‌تواند در کشف جغرافیایی و ایجادکننده رقابت سیاسی گسترده در سطح جهانی مطرح باشد. نظریه‌پردازان تئوری‌هایی برای تقویت نمودن قدرت کشورها بیان نمودند. کلاوس داس می‌گوید: «در طول صدسال گذشته تلاش‌های بسیاری برای ترسیم تاریخ پیچیده علم ژئوپلیتیک صورت گرفته است. این عامل سبب ایجاد پیچیدگی‌های تاریخی و سیاسی در این حوزه شده و در طول قرن بیستم رویکردهای متنوعی درباره بررسی تاریخی این علم پدید آمده است» (Dodds, 2007: 31).

ژئوپلیتیک به بررسی تأثیر پدیده‌های جغرافیایی و ساختارها و نهادهای سیاسی، حکومتی و غیرحکومتی و تحولات آن‌ها و ویژگی‌های روابط با دیگر دولت‌ها می‌پردازد. ژئوپلیتیک درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی برای دستیابی به قدرت است تا بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شده و منافع و حیات ملی را حفظ کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۸). به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک دانش شناخت، بهره‌برداری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات فراملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است. ژئوپلیتیک دانش طراحی و بازبینی استراتژی‌های بازیگران برای دستیابی به منافع و اهداف برپایه منابع جغرافیایی قدرت است (جانپور، ۱۳۹۶: ۲۹).

۱-۲- ژئوپلیتیک و دفاع مقدس

ژئوپلیتیک در برگیرنده سه بُعد قدرت، فضا و سیاست است. در بحث دفاع مقدس و ارتباط آن با ژئوپلیتیک می‌توان دو بُعد قدرت و سیاست را به صورت پررنگ‌تر مشاهده نمود.

امام خمینی (ره)، در پیامشان پس از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ فرمودند: «...جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم...». مقام معظم رهبری نیز همواره بر تهاجم و جنگ فرهنگی دشمن علیه انقلاب و ایران تأکید داشته‌اند. دفاع مقدس به ۸ سال جنگ تحمیلی محدود نشده است. اگرچه در آن دوره، رخدادها سخت بود؛ اما پس از آن به صورتی پیچیده، خاموش و نرم تداوم پیدا کرده و در انواع و اشکال فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای، علمی و... ادامه داشته و دارد و هر روز جدی‌تر، عمیق‌تر و پرمناهنه‌تر می‌شود. ژئوپلیتیک غذا و ارتباط آن با شرایط دفاع مقدس در بُعد قدرت نرم نمایان می‌شود. زیرا دفاع از مرزهای سرزمینی می‌تواند به عنوان عاملی برای افزایش روابط سیاسی بین کشورها مطرح گردد. می‌توان به اتحاد دوباره امریکا و ژاپن در این زمینه اشاره نمود. امر دفاع و ژئوپلیتیک به صورت مستقیم همکاری بین کشورها را با پیگیری برنامه‌های مشترک تقویت می‌کند و به عنوان یک عامل اصلی در بازدارندگی محسوب می‌شود. قدرت به عنوان عنصر اصلی و جدایی‌ناپذیر ژئوپلیتیک در امر دفاع نیز نمود دارد.

ژئوپلیتیک غذا

با افزایش تحولات صورت گرفته در دهه‌های اخیر و تغییر در عوامل شکل‌دهنده قدرت و حرکت به سوی تخصص‌گرایی، زمینه شکل‌گیری مسایل جدید و نیز حوزه‌های گسترده مطالعاتی برای ژئوپلیتیک بیشتر شد. پایان جنگ سرد، به ظهور ژئوپلیتیک‌های موضوع محور و مفهوم محور انجامید و موضوعات و مفاهیم گوناگونی، در کانون توجه ژئوپلیتیک قرار گرفتند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۲). تحولات جدید، به‌ویژه پیشرفت‌های اقتصادی، رشد جمعیت، افزایش بی‌رویه شهرنشینی، شتاب در مصرف منابع، تغییرات اقلیمی و زیست محیطی و... (کاویانی‌راد و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴)، گرایش‌های جدیدی را در ژئوپلیتیک شکل دادند. از جمله گرایش‌های موضوعی ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، ژئوکالچر، ژئوپلیتیک اطلاعات و... است. مواد غذایی نیز به دلیل افزایش جمعیت جهان، قحطی در کشورهای جهان سوم و تغییرات گسترده اقلیمی، اهمیت زیادی برای کشورهای تولیدکننده، مصرف‌کننده و توزیع‌کننده پیدا کرده است. از این روی تلاش‌های فراوانی در عرصه جهانی برای مقابله با گرسنگی صورت گرفته و نشست‌های امنیت غذایی در سطح جهانی برگزار شده است.

با اهمیت یافتن غذا و مسایل مربوط با آن، ژئوپلیتیک غذا وارد مطالعات ژئوپلیتیک شده است؛ هر چند مفهوم‌سازی شفاف و دقیقی از آن صورت نگرفته و بیشتر به توصیف شرایط حاصل از رقابت و تغییرات مؤثر بر غذا و قدرت پرداخته شده است. ژئوپلیتیک غذا، علم تجزیه و تحلیل تأثیر متقابل سیاست و جغرافیا بر چیرگی تولید، توزیع و مصرف مواد غذایی به‌عنوان یک اهرم قدرت، در مقیاس‌های جغرافیایی مختلف است (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۸). ژئوپلیتیک غذا از منظر ژئوپلیتیک سنتی عبارت است از دانش شناخت، بهره‌برداری و حفظ منابع غذایی و چگونگی تولید و دستیابی به آن به‌عنوان منبع جغرافیایی قدرت در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی. ژئوپلیتیک غذا از منظر ژئوپلیتیک انتقادی نیز عبارت است از دانش شناخت، بهره‌برداری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی جهت دستیابی به توزیع برابر و مناسب غذا، جلوگیری از افزایش گرسنگی و حراست از جایگاه دسترسی انسان‌ها به غذای کافی و مناسب (جانپور، ۱۳۹۶: ۷۸).

۳-۱- دیدگاه‌های مرتبط با اهمیت و جایگاه غذا

امنیت غذایی، یکی از نگرانی‌های مهم و تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک جهانی است که می‌تواند با کمبود مواد غذایی، قحطی و افزایش قیمت مواد غذایی نمود یابد. مؤسسه نشنال جئوگرافیک^۱ در ژوئن ۲۰۰۹ نوشت که کمبود مواد غذایی می‌تواند سبب بروز تنش و درگیری گردد. اندرو ناتسیوس درباره کودتاهای غذایی آینده هشدار داد که می‌تواند هر سه ماه یکبار رخ دهد (Bourne, 2009: 11). لستر براون نیز ژئوپلیتیک غذا را با این استدلال اشاره نمود که عدم حل مشکلات سیاسی می‌تواند منجر به افزایش قیمت مواد غذایی در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ و همچنین بروز نوسانات و بحران مواد غذایی در سال ۲۰۱۱ گردد. او هشدار داد که کشاورزان و همچنین سیاستمداران باید برای یک دوره زمانی جدید آماده شوند؛ زیرا کمبود مواد غذایی به طور فزاینده‌ای سیاست جهانی را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. در این سال‌ها، ژئوپلیتیک غذا همزمان با تعمیق نابرابری‌های جهانی و وجود یک سیستم بین‌المللی همراه شد که قادر به هماهنگ نمودن طیف وسیعی از سیاست‌ها نبود. این عامل سبب شده است تا بحران مواد غذایی تحت تأثیر جریان‌های سیاسی قرار گرفته و تنش-

^۱- National Geographic

هایی را ایجاد نماید (Sommerville, 2014:2). از سویی دیگر می‌توان بیان نمود که نبود امنیت غذایی به‌ویژه هنگامی که همراه با افزایش قیمت مواد غذایی باشد یک تهدید برای بروز درگیری‌های خشونت‌آمیز است (Brinkman, 2011: 58). در ادامه به برخی از نظریات در ژئوپلیتیک غذا اشاره می‌شود.

نظریهٔ مالتوس: رشد بی‌رویه جمعیت با میزان رشد تولیدات کشاورزی ناهماهنگ است. این رشد بی‌رویه به همراه محدودیت منابع تولیدی، آیندهٔ مبهمی را برای تأمین مواد غذایی رقم می‌زند. هر یک از دولت‌ها برای رویارویی با این نیاز مهم، راهکارها و سیاست‌های خاصی را اتخاذ می‌کنند تا امنیت غذایی و امنیت ملی کشور خود را تأمین نمایند (Nadimi, 2011: 58). از آنجاکه تولید و تهیهٔ مواد غذایی برای افراد ملت در هر کشوری یکی از مهم‌ترین اهداف است، هر کشوری می‌کوشد تا با ارائهٔ راهکارهای مؤثر، تولید خود را افزایش دهد. این امر از گذشته و در زمان هخامنشیان نیز مورد توجه بوده است. چنانکه در آن زمان بر روی رودها، سدهایی ساخته می‌شد تا آب موردنیاز کشاورزی تهیه شود. امروزه دولت‌ها با سیاست‌های تشویقی مثل خرید تضمینی محصول، سعی در بالابردن انگیزهٔ کشاورزان دارند. کشورهایی مانند ژاپن هم با وجود آب فراوان، به دلیل آسیب‌پذیری بخش کشاورزی از حوادث طبیعی، سعی در ارائهٔ فناوری‌های نوین، جهت تولید محصولات زراعی با بازدهی بالا در حداقل فضا و زمان کمتر برای تأمین مایحتاج ملت خود دارد.

دوکاسترو: در نظریه‌ای کمبود غذا را عامل افزایش تولیدمثل می‌داند. بر اساس این تئوری مللی که تحت تأثیر مداومی از کمبود غذا قرار دارند به جای آنکه اشتهای جنسی خود را ضعیف‌تر ببینند، بارورتر می‌شوند. این افزایش ظرفیت تولیدمثل در میان مردمی که دچار گرسنگی مزمن هستند، علل گوناگونی دارد. عوامل روانی و فیزیولوژیکی نقش اساسی در این مورد دارد. از نقطه نظر روان‌شناسی، تحریک اشتهای جنسی که بر اثر گرسنگی‌های مزمن پدید می‌آید در حقیقت یک عمل مکانیکی برای جبران احساسات است. روان‌شناسان می‌گویند در شرایط عادی میان دو گزینهٔ خوردن و فرزندآوری یک نوع رقابت و مسابقه وجود دارد (Ducastro, 1976: 112).

نظریهٔ فضای حیاتی راتزل: راتزل و همفکران وی از جمله کسانی بودند که موفق شدند تأثیرات محیط را بر روی قدرت سیاسی ملت‌ها طبقه‌بندی کنند. وی معتقد بود، انسان لازم

است برای کسب موفقیت، خود را با محیط هماهنگ سازد، همان‌طور که گیاهان چنین عملی را انجام می‌دهند. راتزل معتقد بود، کشورها مانند یک موجود زنده، تابع قوانین خاص خود هستند. از دیدگاه راتزل، دولت حاصل تکامل ارگانیک است و اجزای وابسته آن شبیه درختی است که اندام فضایی آن در خاک قرار دارد و برای آنکه این اندام رشد و تکامل یابد، توسعه ارضی لازم و ضروری می‌نماید. هرچه وسعت کشوری بیشتر باشد، قدرت سیاسی و تمدن آن کشور توسعه بیشتری می‌یابد (عزتی و نانو، ۱۳۹۰: ۸). در طول تاریخ شاهد هستیم که هرگاه کشوری با کمبود مواد غذایی مواجه می‌شود، به کشورهای همسایه یورش می‌برد. نمونه بارز، اقوام شمال، شمال‌شرق و غرب ایران هستند که هر از چند گاهی به مناطق حاصلخیز ایران حمله برده و محصولات کشاورزی را غارت می‌کردند. نمونه کلاسیک کشور آلمان است که با اندیشه فضای حیاتی راتزل، به کشورهای اطراف می‌تازد؛ زیرا آن‌ها باور داشتند که اگر آلمان بخواهد رشد کند باید حیات خلوت داشته باشد.

تئوری اقتصاد و اقتصاد زمینی، جرجسکوروجن: جرجسکوروجن در رساله «تئوری

اقتصاد و اقتصاد زمینی» اشاره می‌کند، بازدهی کم نیروی کارگری در یک اجتماع که اقتصاد زمینی دارد، چندان اثرات بد و زیان‌آوری ندارد. در چنین اجتماعی تولید کل، بین افراد آن اجتماع بر اساس وضع اجتماعی و روابط خانوادگی و نه بر اساس بازدهی یک کارگر توزیع می‌شود. در چنین مواردی هراندازه تولید به وسیله گروه کارگران اضافی باشد، بر میزان تولید کل اجتماع اضافه می‌گردد که آن بر اساس وضع اجتماعی و روابط خانوادگی تقسیم می‌گردد. بنابراین در چنین اجتماعی که اقتصاد زمینی دارد و در آن تولید کل بین افراد بر اساس وضع اجتماعی و روابط خانوادگی توزیع می‌گردد، اگر میزان تولید را که کارگران اضافی پدید می‌آورند بر میزان کل تولید اضافه نماییم، حد متوسط سهم هر یک از افراد افزایش خواهد یافت؛ حتی اگر تولید هر یک از این کارگران کمتر از هزینه قوت روزانه آن‌ها باشد (سیف‌زرگر، ۱۳۵۷: ۲۶۷). بسیاری از کشورهای جهان سومی که از اقتصاد کشاورزی برخوردار هستند، دارای کشاورزی با بازدهی کم هستند. از آنجاکه اهمیت اقتصادی تولید مواد غذایی ایجاد اشتغال است، در این جوامع نیروی کار به صورت کار خانوادگی است و افراد شاغل، افراد خانواده کشاورز هستند که بر روی زمین کار می‌کنند. از آنجاکه کار آن‌ها بازدهی کمی دارد، این افراد به نوعی بیکار پنهان هستند و اگر تولید در این کشورها افزایش یابد، تحت تأثیر

افزایش نیروی کار است و هیچ ربطی به بازدهی بالای عوامل تولید ندارد. این کشورها برای تهیه غذا به دیگران وابسته هستند؛ زیرا کشاورزی آنها تنها نیاز کشاورز را پاسخ می‌دهد و شهرها با کمبود روبه‌رو می‌شوند. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و کارکردهای سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی، اهمیت ژئوپلیتیک غذا برای هرگونه برنامه امنیتی- دفاعی ضروری است.

۲- روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی- تحلیلی و هدف کاربردی است. هدف پژوهش اولویت‌بندی مؤلفه‌های ژئوپلیتیک غذا برای دفاع ملی است. برای گردآوری اطلاعات در بخش نظری، از روش اسنادی و در بخش میدانی از روش پیمایش مبتنی بر پرسشنامه بهره گرفته شد. در بخش نظری برای تبیین عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک غذا از داده‌های کتابخانه‌ای بهره گرفته شد. پس از مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، متغیرهای پژوهش در قالب ۷ بُعد (سرزمینی، جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، دفاعی- امنیتی و علمی- برنامه‌ریزی) و ۶۲ گویه، گردآوری و به‌صورت پرسشنامه در اختیار جامعه آماری قرار گرفت. جامعه آماری بر اساس در دسترس بودن، ۶۷ نفر از دانشجویان دکتری و اساتید رشته‌های علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و کشاورزی بود. نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ جامعه آماری در نرم‌افزار آماری Spss مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. برای سنجش سطح پایایی، از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. نتایج آزمون کرونباخ با مقدار ۰,۷۹۴، بیانگر بالا بودن سطح پایایی نتایج آماری پرسشنامه است.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون کرونباخ

مقدار آلفا	تعداد گویه‌ها
۰,۷۹۴	۶۲

منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله بعد، برای تعیین نوع آزمون تحلیلی و پارامتریک یا ناپارامتریک بودن نتایج پرسشنامه، از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف استفاده شد که سطح معنی‌داری هر ۷ مؤلفه پژوهش کمتر از ۰,۰۰۵ بود که نشان‌دهنده ناپارامتریک بودن داده‌های پرسشنامه است. در نهایت با توجه به ناپارامتریک بودن پرسشنامه، جهت تحلیل نتایج از آزمون رتبه‌بندی فریدمن

استفاده شد و متغیرهایی که بیشترین امتیاز را داشتند به‌عنوان متغیرهای اصلی شکل‌دهنده ژئوپلیتیک غذا محسوب شدند.

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- یافته‌های کتابخانه‌ای

به‌طورکلی ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی به سیستم‌های کشاورزی و غذایی توجه بسیاری دارند. این عامل سبب شده تا گفتمان‌ها و سیستم‌های مناسبی برای ارزیابی ریسک، تدوین استراتژی و اقدامات عملی در این زمینه از سوی حاکمیت اجرایی گردد و این سیستم حکومتی مقررات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در قالب مشروعیت‌بخشی به این عامل در نظر گیرد.

۳-۱-۱- شاخص‌های مؤثر بر ژئوپلیتیک غذا

مؤلفه‌های شکل‌دهنده ژئوپلیتیک غذا باید به‌گونه‌ای استخراج شوند که مرتبط با مواد غذایی و ماهیت ژئوپلیتیک باشند. بر این مبنا جهت استخراج مؤلفه‌های شکل‌دهنده ژئوپلیتیک غذا، مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و غذا به‌عنوان منبع قدرت تأثیرگذار، استخراج شدند که در قالب هفت بخش به‌صورت ذیل در می‌آیند:

بُعد سرزمینی: بُعد سرزمینی از ابعاد تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک غذا است. با توجه به تغییرات اقلیمی، این بخش می‌تواند تأثیرات قابل‌توجهی بر کشاورزی و در نتیجه بر تولید مواد غذایی داشته باشد. وضعیت جغرافیای طبیعی کشورها به صورت مؤثری بر سیاست دولت‌ها تأثیر می‌گذارد، لذا دولت‌ها با توجه به اوضاع جغرافیایی کشور خود سیاست‌گذاری کرده و روابط خود را با همسایگان و سایر کشورها تنظیم می‌کنند (Janparvar et al, 2014: 10). مطالعات بسیاری به بررسی اقلیم و امنیت غذایی پرداخته است (Challinor, 2013: 208, Teixeira, 2014: 291, et al). تغییرات اقلیمی به‌عنوان یک پیش‌فرض اساسی بر توزیع عوامل غذایی و کشاورزی تأثیرگذار است. پیش‌بینی میزان بهره‌وری محصولات وابسته به آب‌وهوا ناشی از تغییرات اقلیمی است. در این زمینه کلین (۲۰۰۷) بیان می‌کند که دی‌اکسیدکربن یکی از عواملی است که سبب افزایش تأثیرات اقلیمی را بر کشاورزی شده است. به نظر می‌رسد محصولات و انواع گوناگونی از گیاهان مستقیماً تحت تأثیر دی‌اکسیدکربن قرار دارند. سینگ (۲۰۰۹) هم استدلال می‌کند که تغییر اقلیم به نوبه خود

بر رشد، عملکرد، تحمل خشکی و حساسیت گیاهان تأثیر دارد (Helander, 2017: 14). این متغیرها با توجه به اینکه درباره فرآیندهای فیزیکی هستند می‌توانند به‌عنوان مؤلفه‌های ژئوپلیتیک غذا مورد توجه قرار گیرند. مؤلفه‌های این بُعد عبارت‌اند از وسعت سرزمین، اقلیم، موقعیت جغرافیایی، شرایط توپوگرافی زمین، دسترسی به منابع آب، بهره‌وری زمین، سیستم بهره‌وری از زمین (خرده‌مالکی، بزرگ‌مالکی و...)، دسترسی به غذا و توسعه ارضی، توزیع فضایی تولید و دسترسی به مواد غذایی، تولید مواد غذایی و اثرات تخریبی.

بُعد جمعیتی: با اینکه تلاش‌های بسیاری برای از میان بردن گرسنگی در جهان صورت گرفته، اما بُعد جمعیتی همچنان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک غذا است (Sibhatu, 2017: 12). به دلیل تقاضای غذا در مقابل کاهش بهره‌وری، قیمت محصولات غذایی افزایش پیدا کرده و این عامل همراه با نابرابری درآمدی می‌تواند بر میزان دسترسی جمعیت به مواد غذایی تأثیرات منفی داشته و به دنبال تغییرات آب‌وهوایی و افزایش رشد جمعیت سبب درگیری و تنش و کشمکش در سطح ملی و منطقه‌ای شود (Smith, 2000: 202). جمعیت در سال ۲۰۱۸ از ۷,۶ میلیارد نفر فراتر رفت. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ به ۹,۲ میلیارد نفر برسد (Silva, 2018: 1). در این میان افزایش تقاضای مواد غذایی از ۵۹ درصد به ۱۰۲ درصد خواهد رسید (Elferink, 2016: 2). در این زمینه فولی و همکاران (۲۰۱۱) اعتقاد دارند که جمعیت کنونی تا سال ۲۰۵۰، بیش از دوبرابر مواد غذایی تقاضا خواهند نمود و بخش کشاورزی و تولیدات مواد غذایی از اهمیت استراتژیک برخوردار خواهد شد (Foley, 2011: 342, Wegren, 2018: 562)؛ بنابراین متغیرهایی همچون کمیت جمعیت، کیفیت جمعیت، ساختار جمعیت، تعداد شاغلین بخش تولید مواد غذایی، تعداد شاغلین بخش خدمات مواد غذایی، تعداد شاغلین بخش توزیع مواد غذایی و رابطه رشد جمعیت و میزان تولید مواد غذایی می‌توانند از عوامل تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک غذا باشند.

بُعد سیاسی: دوروکس (۲۰۰۹) می‌گوید، برای ایجاد نوعی امنیت غذایی باید به سه مسیر اصلی تولید غذا، مبادله غذا و انتقال غذا توجه نمود (Devereux, 2009: 27). کارایی هر یک از این مسیرها نیز نیازمند نهادهایی است که توانایی لازم را برای ایجاد نوعی هماهنگی و اثربخشی درونی و بیرونی دارا باشند. این انتظارات، اغلب از نهادهای سیاسی می‌رود که تحت تأثیر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی اقداماتی را در راستای تأمین نمودن مواد غذایی

انجام دهند. می‌توان به تولید مواد غذایی از سوی کشاورزان اشاره نمود که نیازمند سرمایه‌گذارهای هنگفتی در بُعد انسانی و نهاده‌های کشاورزی هستند و هرگونه سرمایه‌گذاری در این بخش نیز می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در آینده داشته باشد. نقش نهادهای دولتی و سیاسی در سرمایه‌گذاری مرتبط با زمین‌های کشاورزی قابل توجه است و آن سبب افزایش پتانسیل تولید مواد غذایی در آینده می‌گردد. نقش دولت در مبادله مواد غذایی نیز می‌تواند در کاهش یا جلوگیری نمودن از قحطی در یک سرزمین قابل توجه باشد (Deaton, 2015: 32). این بُعد در برگیرنده درآمد کافی و لازم برای بهره‌گیری از مواد غذایی است. در نهایت می‌توان به انتقال مواد غذایی از سوی دولت‌ها نیز اشاره نمود. اگر دولتی دچار خشونت یا بی‌ثباتی سیاسی است، این عامل می‌تواند امنیت غذایی را تحت تأثیرات منفی خود قرار دهد و غذا را به‌عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی برای چنین کشوری تبدیل نماید. برای نمونه در جمهوری افریقای مرکزی غذا می‌تواند به‌عنوان عاملی برای جلوگیری از شورش در مناطق تحت کنترل عمل نماید (Lambers, 2013: 15). از جمله مؤلفه‌های سیاسی تأثیرگذار بر این بُعد می‌توان به نوع سیستم حکومتی، سیاست‌های حمایت از تولید، بهروری و توزیع، ساختار ویژه جهت تولید، بهروری و توزیع در کشور، سیاست‌های بین‌المللی قوی در توزیع مواد غذایی، سیاست‌های ویژه برندسازی مواد غذایی، میزان و شدت مداخله دولت در بخش کشاورزی، نقش دولت در الگوی کشت، برداشت و توزیع، دسترسی به مواد غذایی و اقتدار حکومت، دیپلماسی غذایی، دسترسی به مواد غذایی و تحرکات سیاسی-اجتماعی اشاره نمود.

بُعد اقتصادی: ژئوپلیتیک غذا با عوامل اقتصادی پیوند گسترده‌ای دارد. تصرف زمین‌های کشاورزی می‌تواند زندگی ۷۱ میلیون نفر را به‌صورت مستقیم تحت تأثیر قرار دهد (Peluso, 2011: 59). گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که دولت‌های ثروتمند در تلاش هستند تا واردات مواد غذایی، بهبود امنیت غذایی و جلوگیری از بی‌ثباتی سیاسی را با تأثیرگذاری بر غذا و امنیت غذایی، برای کشورهای فقیرتر فراهم آورند. چنین اقداماتی از سوی کشورهای ثروتمند می‌تواند بازیگران اقتصادی را در عرصه داخلی و بین‌المللی با سرمایه‌گذاری نهادی همچون صندوق‌های بازنشستگی و سرمایه‌های مشترک، شرکت‌های ملی و فراملی (TNC) و... را فراهم آورد. برخی از این سرمایه‌گذاران به دنبال افزایش تقاضای فزاینده برای سوخت-های زیستی از زمین‌های کشاورزی اجاره‌ای یا خریداری شده، برای ایجاد عملیات جدید

کشت و صنعت در مقیاس بزرگ استفاده می‌نمایند. بسیاری دیگر از سرمایه‌گذاران نیز از زمین‌های کشاورزی در برابر بی‌ثباتی در بازارهای مالی یا برای تأمین زمین در راستای اهداف غیرکشاورزی از جمله پول‌شویی استفاده می‌کنند. مؤلفه‌های اقتصادی تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک غذا شامل وضعیت نهادهای اقتصادی، الگوی توسعه، جایگاه غذا و مواد غذایی در اقتصاد، تولید مواد غذایی با ارزش اقتصادی بالا، سطح تولید، ساختار توزیعی نظام‌مند و قوی، درآمد حاصل از تولید و فروش مواد غذایی و میزان سرمایه‌گذاری در بخش مواد غذایی است.

بُعد اجتماعی - فرهنگی: غذا هم منبعی برای تغذیه و هم فرهنگ بشری از آن تأثیرات قابل توجهی دارد (Kittler, 2011: 12). فرهنگ‌ها دارای رژیم غذایی متفاوتی هستند که می‌تواند بر امنیت غذایی تأثیرگذار باشند؛ بنابراین توجه به بُعد فرهنگی غذا در ژئوپلیتیک غذا می‌تواند به‌عنوان یک بخش اساسی مورد توجه قرار گیرد (Keding, 2013: 829)؛ شناختن فرهنگ و عوامل مرتبط با آن می‌تواند تا حدودی رمزگشای عوامل مرتبط با این موضوع باشند (Alesina, 2011: 899). اینکه چه غذایی چه پتانسیلی برای یک ملت دارد و نوع و ترکیب فروش آن، تولیدات و تجارت آن‌ها چه تأثیراتی در سطح فروملی، ملی و منطقه‌ای دارند، می‌تواند از عوامل تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک غذا محسوب شوند. توجه به این عوامل می‌تواند میزان اثربخشی مداخلات مبتنی بر غذا را در چارچوب قدرت مدنظر قرار دهد (Alonso, 2017: 3). متغیرهایی همچون فرهنگ استفاده از مواد غذایی، فرهنگ استفاده از آب، نگرش فرهنگی به مواد غذایی (ارزش‌دهی)، سبک تغذیه، سطح زندگی و تغذیه، ترکیب جمعیت شهری و روستایی، غذا ایزاری بشردوستانه و غذا عامل پیوند اجتماعی، بخشی از فرهنگ هستند که بر ژئوپلیتیک غذا اثرگذار می‌باشند.

بُعد دفاعی - امنیتی: تأمین امنیت غذایی به‌عنوان یکی از اولویت‌های مهم و اساسی جامعه بین‌المللی است. در واقع این الگو نشان‌دهنده توسعه و توانایی استان‌ها و افزایش دسترسی به مواد غذایی برای تقویت نمودن توانایی‌ها است. توجه به این بُعد یکی از پیش‌شرط‌های توسعه پایدار انسانی است. افرادی که دارای تغذیه خوب و مناسب هستند، دارای آزادی و توانایی‌هایی بالا در توسعه انسانی نیز هستند. آن‌ها می‌تواند به‌صورت مستقیم بر بُعد دفاعی - امنیتی این مؤلفه تأثیر قابل توجهی داشته باشد (Conceição, 2016: 1). از جمله متغیرهای دفاعی و امنیتی تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک غذا، تأمین امنیت غذایی، تولید

کالاهای استراتژیک (مانند گندم)، تأمین بهداشت جامعه، نگرش پدافند غیرعاملی به تولید مواد غذایی، میزان وابستگی کشورها به مواد غذایی، خودکفایی در تولید مواد غذایی، تعادل بین جمعیت و مواد غذایی، میزان دسترسی به مواد غذایی و امنیت و ناامنی، غذا به‌عنوان ابزار قدرت، تغذیه سالم و ناسالم و امنیت اجتماعی است.

بُعد علمی - برنامه‌ای: فناوری از اهمیت بسزایی در تولید مواد غذایی برخوردار است. در این باره سالین (۱۹۹۸) به بررسی اهمیت IT در کشاورزی و استراتژی زنجیره تأمین اشاره نموده که چگونه این فناوری قادر است تا کیفیت غذا، ایمنی و تغییرپذیری مرتبط با آب و هوا را تحت تأثیر خود قرار دهد. میتال (۲۰۰۸) نیز به نقش IT در تأمین اطلاعات برای بالابردن کیفیت تصمیم‌گیری در کشاورزی هند اشاره نموده که چگونه این عامل می‌تواند سبب بهبود بهره‌وری گردد. این اطلاعات به‌موقع به کارگران کمک می‌کند تا افزون‌بر بهبود کشاورزی، زندگی کشاورزان را نیز بهبود بخشد. افزون‌بر این، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) نیز می‌تواند بر برنامه‌ریزی، مشاوره و نظارت بر محصولات کشاورزی تأثیرگذار و از این طریق مشکلات مرتبط با خاک و پوشش گیاهی را شناسایی و حل‌وفصل نماید (Shukla, 2015: 92). عوامل تأثیرگذار بر این بُعد شامل فناوری تولیدی، فناوری نگهداری، فناوری توزیعی، بسته‌بندی، برنامه‌های حمایتی، سطح توسعه علمی در تولید و نگهداری مواد غذایی، توسعه علمی و تغییرات ژنتیکی مواد غذایی و توسعه علمی و کیفیت مواد غذایی است.

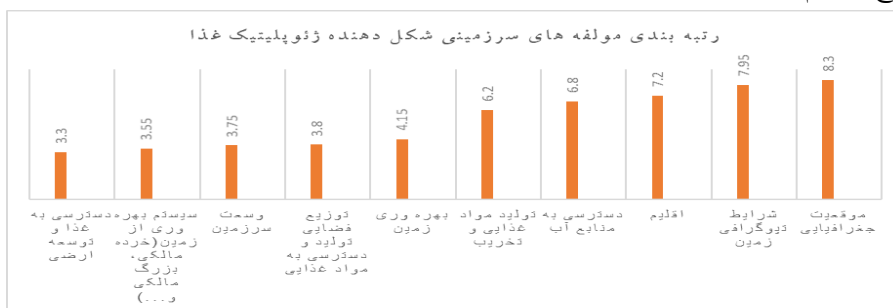
۲-۳- یافته‌های میدانی

برای بررسی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ژئوپلیتیک غذا از نظرات کارشناسان بهره گرفته شد. نتایج این نظرات در قالب بخش یافته‌های میدانی ارائه می‌شود. در این بخش با استفاده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن، مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌دهی به ژئوپلیتیک غذا مشخص می‌گردد.

۱-۲-۳- بررسی عوامل سرزمینی شکل‌دهنده ژئوپلیتیک غذا

بررسی ۱۰ متغیر شناسایی شده در بخش سرزمینی شکل‌دهنده به ژئوپلیتیک غذا نشان داد که در این میان چهار متغیر موقعیت جغرافیایی با امتیاز ۸,۳، شرایط توپوگرافی زمین با امتیاز ۷,۹۵، اقلیم با امتیاز ۷,۲ و دسترسی به منابع آب با امتیاز ۶,۸، به‌عنوان مهم‌ترین متغیرهای سرزمینی مؤثر در شکل‌دهی به ژئوپلیتیک غذا بوده‌اند. در این بخش شش مؤلفه

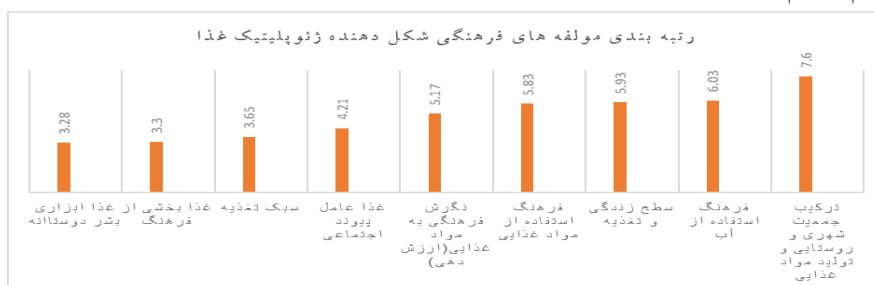
تولید مواد غذایی و اثرات تخریبی با امتیاز ۶,۲، سیستم بهره‌وری زمین با امتیاز ۴,۱۵، توزیع فضایی تولید و دسترسی به مواد غذایی با امتیاز ۳,۸، وسعت سرزمین با امتیاز ۳,۷۵، سیستم بهره‌وری از زمین با امتیاز ۳,۵۵ و متغیر دسترسی به غذا و توسعه ارضی با امتیاز ۳,۳ در رده پنج تا دهم از تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های ژئوپلیتیک غذا جای گرفته‌اند.



شکل شماره ۱: نمودار نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای مؤلفه‌های بُعد سرزمینی

۲-۳- بررسی عوامل فرهنگی شکل‌دهنده ژئوپلیتیک غذا

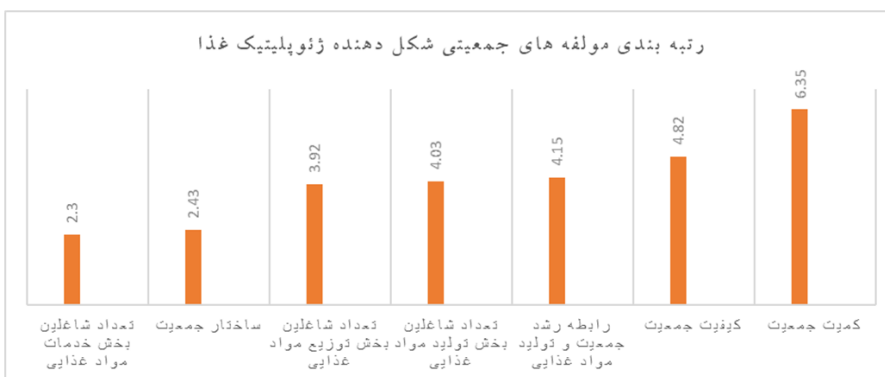
نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی متغیرهای شکل‌دهنده ابعاد فرهنگی ژئوپلیتیک غذا نشان داد که ترکیب جمعیت شهری و روستایی و تولید مواد غذایی با امتیاز ۷,۶، فرهنگ استفاده از آب با امتیاز ۶,۰۳، سبک زندگی و تغذیه با امتیاز ۵,۹۳، فرهنگ استفاده از مواد غذایی با امتیاز ۵,۸۳ به ترتیب مهم‌ترین متغیرهای شکل‌دهنده به ژئوپلیتیک غذا در بُعد فرهنگی محسوب می‌شوند. متغیرهای نگرش فرهنگی به مواد غذایی، غذا عامل پیوند اجتماعی، سبک تغذیه، غذا بخشی از فرهنگ و غذا ابزاری بشردوستانه به ترتیب در رده‌های پنجم تا نهم قرار گرفتند که از اهمیت کمتری نسبت به چهار متغیر اول برخوردارند.



شکل شماره ۲: نمودار نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای مؤلفه‌های بُعد فرهنگی

۳-۲-۳- بررسی عوامل جمعیتی شکل‌دهنده ژئوپلیتیک غذا

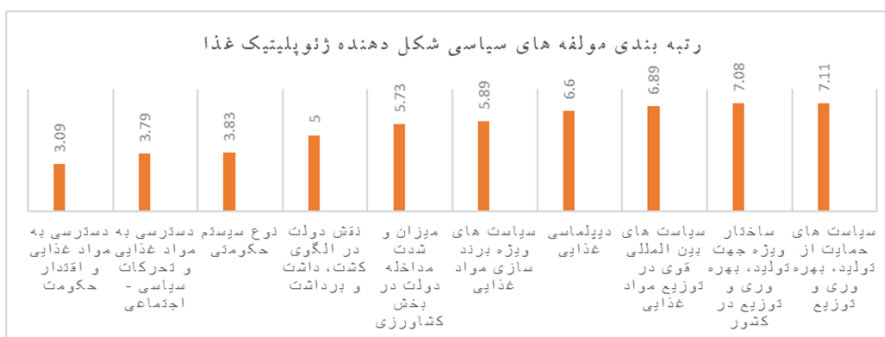
نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی متغیرهای شکل‌دهنده ابعاد جمعیتی ژئوپلیتیک غذا نشان داد که متغیرهای کمیت جمعیت (تعداد جمعیت) با امتیاز ۶,۳۵، کیفیت جمعیت با امتیاز ۴,۸۲، رابطه رشد جمعیت و تولید مواد غذایی با امتیاز ۴,۱۵، به ترتیب مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متغیرهای شکل‌دهنده به ژئوپلیتیک غذا در بُعد جمعیتی می‌باشند. تعداد شاغلین بخش تولید مواد غذایی و همچنین توزیع مواد غذایی، ساختار جمعیت و تعداد شاغلین بخش خدمات مواد غذایی در رده‌های چهارم تا هفتم از میزان تأثیر بر ژئوپلیتیک غذا واقع شده‌اند.



شکل شماره ۳: نمودار نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای مؤلفه‌های بُعد جمعیتی

۳-۲-۴- بررسی عوامل سیاسی شکل‌دهنده ژئوپلیتیک غذا

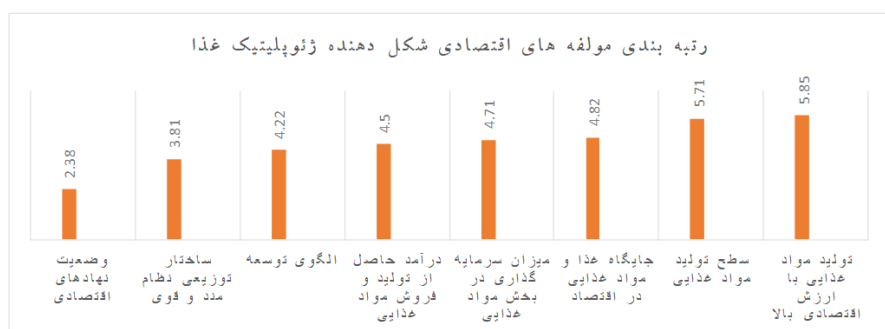
نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی متغیرهای شکل‌دهنده ابعاد سیاسی ژئوپلیتیک غذا نشان داد که متغیرهای سیاست‌های حمایت از تولید، بهره‌وری و توزیع با امتیاز ۷,۱۱، ساختار ویژه جهت تولید، بهره‌وری و توزیع در کشور با امتیاز ۷,۰۸، سیاست‌های بین‌المللی قوی در توزیع مواد غذایی با امتیاز ۶,۸۹ و دیپلماسی غذایی با امتیاز ۶,۶ به‌عنوان اثرگذارترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده به ژئوپلیتیک غذا محسوب می‌شوند. همچنین متغیرهای سیاست‌های ویژه برندسازی مواد غذایی، نقش دولت در الگوی کشت، داشت و برداشت، سیاست‌های بین‌المللی قوی در توزیع مواد غذایی، میزان و شدت مداخله دولت در بخش کشاورزی، نوع سیستم حکومتی، دسترسی به مواد غذایی و تحرکات سیاسی- اجتماعی، دسترسی به مواد غذایی و اقتدار حکومت به ترتیب در رده‌های بعدی از میزان تأثیر بر شکل‌دهی ژئوپلیتیک غذا قرار دارند.



شکل شماره ۴: نمودار نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن برای مؤلفه های بُعد سیاسی

۵-۲-۴- بررسی عوامل اقتصادی شکل دهنده ژئوپلیتیک غذا

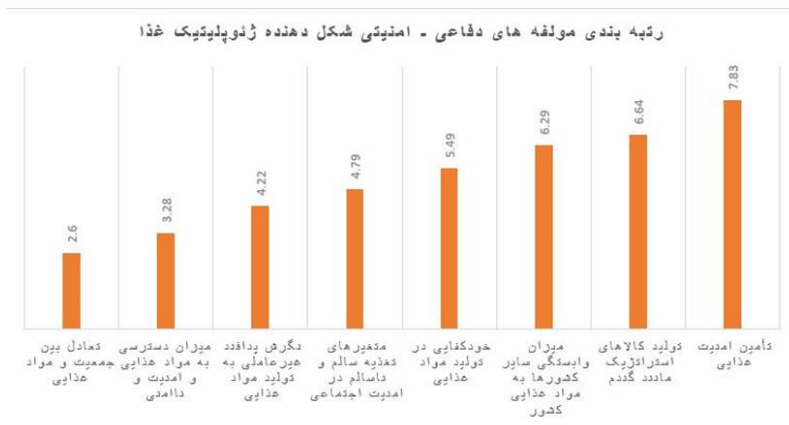
نتایج آزمون فریدمن برای رتبه بندی متغیرهای شکل دهنده ابعاد اقتصادی ژئوپلیتیک غذا نشان داد که متغیرهای تولید مواد غذایی با ارزش اقتصادی بالا با امتیاز ۵٫۸۵، سطح تولید مواد غذایی با امتیاز ۵٫۷۱، جایگاه غذا و مواد غذایی در اقتصاد با امتیاز ۴٫۸۲ و میزان سرمایه گذاری در بخش مواد غذایی با امتیاز ۴٫۷۱، به ترتیب مؤثرترین متغیرهای اقتصادی شکل دهنده ژئوپلیتیک غذا بوده اند. متغیرهای درآمد حاصل از تولید و فروش مواد غذایی، الگوی توسعه، ساختار توزیعی نظام مدد و قوی و وضعیت نهادهای اقتصادی به ترتیب در رده های بعدی از میزان تأثیر بر شکل دهی به ژئوپلیتیک غذا در بُعد اقتصادی قرار داشته اند.



شکل شماره ۵: نمودار نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن برای مؤلفه های بُعد اقتصادی

۶-۲-۳- بررسی عوامل دفاعی - امنیتی شکل‌دهنده ژئوپلیتیک غذا

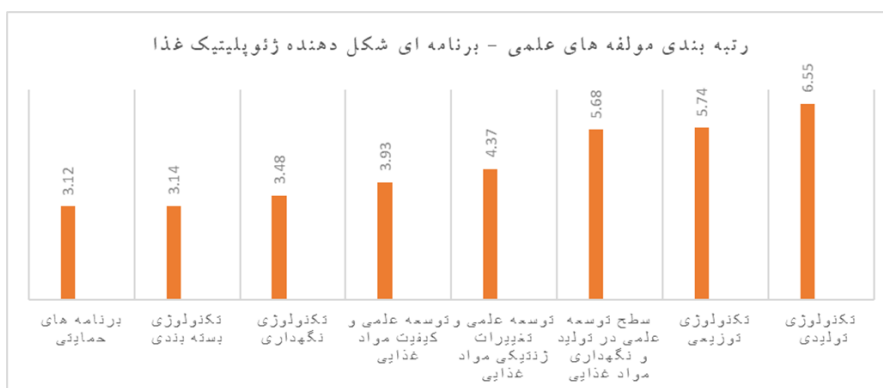
نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی متغیرهای شکل‌دهنده ابعاد دفاعی - امنیتی ژئوپلیتیک غذا نشان داد که متغیرهای تأمین امنیت غذایی با امتیاز ۷,۸۳، تولید کالاهای استراتژیک مانند گندم با امتیاز ۶,۶۴، میزان وابستگی کشورها به مواد غذایی کشور با امتیاز ۶,۲۹، خودکفایی در تولید مواد غذایی با امتیاز ۵,۴۹، به‌عنوان چهار متغیر تأثیرگذار در بُعد دفاعی - امنیتی بر روی ژئوپلیتیک غذا محسوب می‌شوند. متغیرهای تغذیه سالم و ناسالم در امنیت اجتماعی، نگرش پدافند غیرعاملی به تولید مواد غذایی، میزان دسترسی به مواد غذایی و امنیت و ناامنی، تعادل بین جمعیت و امنیت از میان تأثیر بر شکل‌دهی به ژئوپلیتیک غذا در بُعد دفاعی - امنیتی برخوردارند.



شکل شماره ۶: نمودار نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای مؤلفه‌های بُعد دفاعی - امنیتی

۷-۲-۳- بررسی عوامل علمی - برنامه‌ای شکل‌دهنده ژئوپلیتیک غذا

نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی متغیرهای شکل‌دهنده ابعاد علمی - برنامه‌ای ژئوپلیتیک غذا نشان داد که متغیرهای فناوری تولیدی با امتیاز ۶,۵۵، فناوری توزیعی با امتیاز ۵,۷۴، سطح توسعه علمی در تولید و نگهداری مواد غذایی با امتیاز ۵,۶۸ و سطح توسعه علمی و تغییرات ژنتیکی مواد غذایی با امتیاز ۴,۳۷، به ترتیب مؤثرترین متغیرهای علمی - برنامه‌ای شکل‌دهنده به ژئوپلیتیک غذا از نظر کارشناسان بودند. متغیرهای توسعه علمی و کیفیت مواد غذایی، فناوری نگهداری، فناوری بسته‌بندی و برنامه‌های حمایتی به ترتیب در رده‌های بعدی از میزان تأثیر بر شکل‌دهی به ژئوپلیتیک غذا بودند.



شکل شماره ۷: نمودار نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن برای مؤلفه های بُعد علمی - برنامه ای

نتیجه گیری

اهمیت پرداختن به نقش مؤلفه های شکل دهنده به ژئوپلیتیک غذا و تأثیر آن در دفاع ملی در شرایط جنگی برای کشور ایران به دلیل تغییرات اقلیمی و افزایش جمعیت و همچنین افزایش تهدیدهای نظامی و به اجرا درآمدن سخت ترین تحریم های قرن علیه این کشور، زمینه ساز شکل گیری و توسعه مباحث و مسایلی نظیر غذا، امنیت غذایی و رقابت غذایی را برای ایران برجسته تر نموده است. به دلیل موقعیت شکننده غرب و جنوب غرب آسیا و جنگ های نیابتی و مذهبی بین بازیگران مختلف و همچنین حضور نیروهای خارجی وسیع در این بخش از جهان، ضرورت توجه به ژئوپلیتیک غذا در مسایل پدافند غیرعامل را از برای کشور ایران پر اهمیت می کند. بر این مبنا، تلاش شد تا مؤلفه های شکل دهنده ژئوپلیتیک غذا مبتنی بر نظریه ها و مباحث مرتبط استخراج شود. غذا به عنوان یکی از مهم ترین منابع قدرت در طی دهه های اخیر، در حوزه های مختلف تولید، بهره برداری و توزیع به یک سری مؤلفه ها با عنوان مؤلفه های شکل دهنده ژئوپلیتیک غذا دست پیدا می کند. برای درک بهتر، این مؤلفه ها در قالب هفت بُعد سرزمینی، جمعیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، دفاعی - امنیتی و بُعد علمی - برنامه ای آورده شده است. نتایج نشان داد که کشور ایران برای هرگونه برنامه ریزی برای دفاع ملی در زمینه غذا، باید به این مسایل توجه کند. اهم این مسایل دفاعی عبارتند از: در بُعد سرزمینی، موقعیت جغرافیایی، شرایط توپوگرافی زمین، اقلیم و دسترسی به منابع آب؛ در بُعد جمعیتی، کمیت و کیفیت جمعیت، رابطه رشد جمعیت و تولید مواد غذایی و تعداد

شاغلین بخش تولید مواد غذایی؛ در بُعد اقتصادی، تولید مواد غذایی با ارزش بالا، سطح تولید مواد غذایی، جایگاه غذا و مواد غذایی در اقتصاد و میزان سرمایه‌گذاری در بخش مواد غذایی؛ در بُعد فرهنگی - اجتماعی، ترکیب جمعیت شهری و روستایی و تولید مواد غذایی، فرهنگ استفاده از آب، سطح زندگی و تغذیه و فرهنگ استفاده از مواد غذایی؛ در بُعد سیاسی، سیاست‌های حمایت از تولید، بهره‌وری و توزیع، ساختار ویژه جهت تولید، بهره‌وری و توزیع در کشور، سیاست‌های بین‌المللی قوی در توزیع مواد غذای و دیپلماسی غذایی؛ بُعد دفاعی - امنیتی شامل تأمین بهداشت جامعه، تولید کالاهای استراتژیک مانند گندم، میزان وابستگی کشورها به مواد غذایی کشور و خودکفایی در تولید مواد غذایی؛ بُعد علمی - برنامه‌ای نیز فناوری تولیدی، فناوری توزیعی، سطح توسعه علمی در تولید و نگهداری مواد غذایی، توسعه علمی و تغییرات ژنتیکی مواد غذایی، به‌عنوان متغیرهای شکل‌دهنده و مؤثر در شکل‌گیری ژئوپلیتیک غذا و دفاع ملی محسوب شدند. تدوین استراتژی‌های اساسی برای امنیت غذایی کشور در شرایط مختلف صلح و جنگ، از جنبه‌های مهم و اساسی است که این پژوهش بر آن تأکید داشته و باور دارد، غذا می‌تواند چالشی برای مردم جهان و ایران در آینده باشد.

کتابنامه

- احمدی، عباس، مرجان بدیعی ازندهای و طهمورث حیدری موصولو (۱۳۹۶). تبیین نظری تغییر ماهیت مناطق ژئوپلیتیک در رقابت بین قدرت‌ها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۳، شماره ۴۷، صص ۷۸-۵۵.
- جانپور، محسن (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک برای همه، تهران: انتخاب.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.
- سیف‌زرگر، احمد (۱۳۵۷). مشکلات غذایی جهان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- عزتی، عزت‌الله و سهیلا نانا (۱۳۹۰). «سیاست خارجی ایران و چالش‌های فراروی ایران با تغییر ساختار سیاسی در عراق»، فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۸۰، صص ۱۳۵-۱۵۳.
- قادری حاجت، مصطفی و عابد گل‌کرمی (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل نگرش ژئوپلیتیکی اسناد بالادستی آمایش سرزمین در ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۶، شماره ۵۸، صص ۸۷-۵۸.
- قالیباف، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۳). «واکاوی و تبیین نقش غذا در رقابت‌های ژئوپلیتیکی با تأکید بر ژئوپلیتیک غذا»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره اول.
- نصرتی، حمیدرضا و مراد کاویانی‌راد و فرزانه ساسان‌پور (۱۳۹۸). «واکاوی مفهوم امنیت آب از منظر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۵، شماره ۵۳، صص ۵۹-۲۳.
- نصیری، سوناز (۱۳۹۸). «نقش قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی عراق)»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان، ۲۸۷-۲۶۵.
- Alesina, A. and Giuliano, P. (2015). Culture and Institutions, Journal of Economic Literature, No 53, pp 898- 944. doi:10.1257/jel.53.4.898
- Alonso, E. Cockx, L. and Swinnen, J. (2017). Culture and Food Security, LICOS Centre for Institutions and Economic Performance Waaistraat 6- mailbox 3511. doi.org/ 10.1016 / j.gfs.2018.02.002.
- Anseuw, L.A. Wily, L. Cotula and M. Taylor, (2011) Land Rights and the Rush for Land: Findings of the Global Commercial Pressures on Land Research Project Rome: International.
- Bourne, J. K. Jr. (2009). The End of Plenty, National Geographic 215/6 (June 2009) pp. 26-59; A. S. Natsios and K. W. Doley, 'The Coming Food Coups', The Washington Quarterly 32/1 (2009) pp. 7-25. <http://ngmnationalgeographic.com/2009/06/cheap-food/bourne-text>
- Brinkman, H. J. and C. S. Hendrix (2011). Food Insecurity and Violent Conflict: Causes, Consequences, and Addressing the Challenges,

- Occasional Paper No. 24, World Food Program.
<https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2019.01.007>
- Challinor, A. J. Watson, J. Lobell, D. B. Howden, S. M., Smith, D. R., & Chhetri, N. (2014). A metaanalysis of crop yield under climate change and adaptation, *Nature Climate Change*, 4(4), 287-291. <https://doi.org/10.1038/nclimate2153>
- Conceição, P. Levine, S. Lipton, M. Rodríguez, A. W. (2016). Toward a food secure future: Ensuring food security for sustainable human development in Sub-Saharan Africa, *Food Policy*. Volume 60, Pp 1-9. doi.org/10.1016/j.foodpol.2016.02.003.
- Deaton, B. and Lipka, B (2015). Political Instability and Food Security, *Journal of Food Security*, 2015, Vol. 3, No. 1, 29-33 Available online at <http://pubs.sciepub.com/jfs/3/1/5>. Science and Education Publishing DOI:10.12691/jfs-3-1-5.
- Devereux, S. (2009). Why does famine persist in Africa? *Food Security* 1 (1): 25-35. DOI: [10.1007/s12571-008-0005-8](https://doi.org/10.1007/s12571-008-0005-8)
- Dodds, K & Atkinson. D. (2000). *Geopolitical Traditions: A Century of Geopolitical Thought*. London: Routledge.
- Dodds, K (2007). *Geopolitics: A Very Short Introduction*, New York: Oxford University Press.
- Ducastro (1976). *The Black Book of Hunger: Tehran*, Gam Publishing.
- Elferink, M. Schierhorn, F. Global Demand for Food Is Rising. Can We Meet It? *Harvard Business Review*-7 April 2016. Available online: <https://hbr.org/2016/04/global-demand-for-food-is-rising-can-wemeet-it> (accessed on 20 June 2020).
- Foley, J.A. Ramankutty, N. Brauman, K.A. Cassidy, E.S. Gerber, J.S. Johnston, M. Mueller, N.D. O'Connell, C. Ray, D.K. West, P.C. et al (2011) Solutions for a Cultivated Planet. *Nature* 2011, 478, 337-342 DOI: [10.1038/nature10452](https://doi.org/10.1038/nature10452).
- Helander, H. (2017). Geographic Disparities in Future Global Food Security Exploring the Impacts of Population Development and Climate Change, *UPTEC STS 17001 Examensarbete* 30 hp Januari 2017, ISSN: 1650-8319, UPTEC STS 17001.
- Janparvar. M. Afshordi, M. AhmadiPoor, Z. Qasri, M. (2014). Explain the effective indicators in border management. *Geopolitical Quarterly*, Volume 10, NO 2. Pp 1-35.
- Keding, G.B. Schneider, K. Jordan, I. (2013). Production and processing of foods as core aspects of nutrition-sensitive agriculture and sustainable diets. *Food Security* 5, 825-846. doi:10.1007/s12571-013-0312-6.
- Kittler, P. Sucher, K. and Nelms, M. (2011). *Food and culture*. Cengage Learning.

- Lambers, W. (2013). War and Hunger in the Central African Republic. Think Africa Press. african-republic (accessed 4 March 2015). <http://thinkafricapress.com/centralafrican-republic/war-and-hunger-central>.
- Longman Dictionary of Contemporary English, Essex: Longman, p. 433.
- Peluso, N. L. and Lund. C. (2011). New Frontiers of Land Control: Introduction, Journal of Peasant Studies 38/4 (Oct. 2011) p. 669; W. DOI: [10.1080/03066150.2011.607692](https://doi.org/10.1080/03066150.2011.607692).
- Shukla, S. Prakash Singh. S. (2015). Food security and technology in India, Int. J. Sustainable Agricultural Management and Informatics, Vol. 1, No. 1, 2015 DOI: [10.1504/IJSAMI.2015.069054](https://doi.org/10.1504/IJSAMI.2015.069054).
- Sibhatu, K.T. Qaim, M. (2017). Rural food security, subsistence agriculture, and seasonality. PLoS ONE 2017, 12, e0186406 <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0186406>.
- Silva, G. Feeding the World in 2050 and Beyond-Part 1: Productivity Challenges. Michigan State University Extension-3 December 2018. Available online: <https://www.canr.msu.edu/news/feeding-the-world-in-2050-and-beyond-part-1> (accessed on 20 June 2020).
- Smith, L.C. El Obeid, A.E. Jensen, H.H. (2000). The Geography and Causes of Food Insecurity in Developing Countries, Agric, Econ., 199-215 [https://doi.org/10.1016/S0169-5150\(99\)00051-1](https://doi.org/10.1016/S0169-5150(99)00051-1).
- Sommerville, Melanie, Jamey Essex & Philippe Le Billon., (2014). The 'Global Food Crisis' and the Geopolitics of Food Security, Geopolitics, 19:2, 239-265, DOI: [10.1080/14650045.2013.811641](https://doi.org/10.1080/14650045.2013.811641).
- Teixeira, E. Fischer, G. Velthuisen, H. V. & Walter, C. (2013). Global hot-spots of heat stress on agricultural crops due to climate change. Agricultural and Forest Meteorology, 170, 206-215. <https://doi.org/10.1016/j.agrformet.2011.09.002>.
- Wegren, S.K. and Elvestad, C. (2018). Russia's food self-sufficiency and food security: An assessment. Post Communist Econ. 2018, 30, 565-587. DOI: [10.1080/14631377.2018.1470854](https://doi.org/10.1080/14631377.2018.1470854).